

# طرح پیشنهادی تاسیس صندوق وقف سهام به عنوان یک نهاد مالی اسلامی

صابر شکری<sup>۱</sup>

عضو هیات علمی دانشگاه پیام نور واحد تکاب

## چکیده

یکی از اموری که لازم است در بنای جامعه نوین اسلامی مورد توجه و عنایت خاص قرار بگیرد، احیای سنت‌های اسلامی است. سنت‌هایی که اگر به طور جدی در جامعه رایج شوند قادرند بسیاری از مشکلات و مسائل جامعه را با تکیه بر انگیزه‌های معنوی مردم حل کنند. یکی از این سنت‌های حسنه وقف می‌باشد وقف از جمله نهادهای حقوقی و اقتصادی مهم به شمار می‌رود و به نظر می‌رسد به توجه به مقتضیات زمان و مکان، شرایط و اوضاع و احوال روز باید در گسترش محدوده موقوفات و همچنین متنوع ساختن نهادهای مالی تلاش کرده و دایره موقوفات را به سوی ابزارهای جدید سوق داد یکی از این موقوفه‌ها سهام شرکت‌ها می‌باشد. در این پژوهش به وقف‌شناسی و بررسی طرح پیشنهادی برای تشکیل صندوق وقف سهام پرداخته شده و در پایان یک ساختار برای آن ارائه شده است.

واژگان کلیدی: فقه، وقف، وقف سهام، صندوق وقف سهام

## ۱. مقدمه

در زندگی کنونی، جوامع مختلف برای رفع حوایج مادی و اقتصادی ناچار به تشکیل و استفاده از اجتماعات انسانی خاصی هستند که در اصطلاح علم حقوق «شرکت‌های تجاری» نامیده می‌شوند.

شرکت چند گونه است:

۱. شرکت دو یا چند نفر با هم در سرمایه‌گذاری برای تولید کالا یا خدمت معین بدون استقلال حقوقی شرکت نسبت به افراد.

۲. شرکت سهامی خاص: در این نوع شرکت صاحبان سرمایه‌ها افراد معینی هستند ولی شرکت شخصیت حقوقی مستقلی از افراد دارد.

۳. شرکت سهامی عام: در این نوع شرکت تعدادی از شرکا صاحبان اصلی سرمایه هستند ولی با فروش سهام سرمایه‌های کوچک دیگران را جذب می‌کنند.

شرکت تجاری اصولاً عبارت است از اینکه چند نفر مالی را برای تجارت و استفاده از منافع آن در میان بگذارند (ستوده تهرانی، جلد اول، ص ۱۴۳).

اساس و هسته اصلی برای ایجاد و دوام این شرکت‌ها را سرمایه‌ی «اعم از نقدی یا غیرنقدی» تشکیل می‌دهد که اعضا و داوطلبان در هنگام ورود به شرکت می‌پردازند. در مقابل، شرکت نیز به عنوان یک شخصیت حقوقی مستقل از اعضا و سهام‌داران خود، ورقه و سندی به این داوطلبان و اعضا ارایه می‌کند که بیانگر میزان سرمایه‌ی وی در شرکت است، این رویه - کم و بیش - در کلیه شرکت‌های تجاری موضوع ماده ۲۰ قانون تجارت با تغییراتی اندک دنبال می‌شود (بهرامی، ۱۳۷۹، ص ۱۴۵).

## ۱-۱. تعریف سهم

گاهی مراد از سهام اوراق حاکی از مالکیت حصه‌ای در یک شرکت است و گاهی مراد از سهم، خود حصه است نه اوراق حاکی از آن. مؤلفان حقوقی آن را چنین تعریف کرده‌اند:

سندی است که حکایت از مالکیت حصه معین در شرکت تجاری (به نام شرکت سهامی) می‌کند و صاحب سهم از تمام مزایای مقرر در اساسنامه شرکت استفاده می‌کند. صاحب سهم در

همه منافع و زیان‌های شرکت شریک خواهد بود و در اداره شرکت دخالت دارد (جعفری لنگرودی، ۱۳۷۸، ص ۳۶۹).

از آنجا که دارندگان سهام شرکت‌های تجاری، برای دریافت آن، هر یک میزان مشخصی سهم‌الشرکه (اعم از نقدی یا غیرنقدی) تحویل شرکت داده‌اند و یا تعهد به تحویل آن دارند، لذا این برگ دارای ارزش اقتصادی است و در برخی موارد - با رعایت شرایط ویژه آن - قابل مبادله و انتقال است (بهرامی، ۱۳۷۹، ص ۱۴۶).

## ۲. وقف

وقف در لغت به معنی حبس و منع می‌باشد و در امور حسیه و معنوی کاربرد دارد، نوع اول مثل اینکه می‌گویند: «وقف السیاره اوالطائر» - هرگاه که اتومبیل و یا هواپیما را از حرکت باز ایستانند. نوع دوم مثل اینکه گویند: «وقف حیاتی علی الدراسه» - زندگی را وقف مطالعه کردم (هاشمی نسب، ۱۳۷۷، ص ۱۰). همچنین وقف در لغت به معنای ایستادن (منتهی‌الارب) به حالت ایستاده ماندن و آرام گرفتن است (دهخدا، ۱۳۷۷، ص ۲۳۲۲۶).

### ۲-۱. وقف در اصطلاح فقهی

امام خمینی در تحریرالوسیله می‌فرماید: «و هو تحبیس الاصل و تسبیل المنفعه» (امام خمینی، جلد دوم، ص ۵۵).

شهید اول می‌فرماید: «هو تحبیس الاصل و اطلاق المنفعه» (شهید اول، ۱۴۰۳، ص). وقف عبارت است از اینکه اصل مالی، حبس گردد برای مصرفی از مصارف و منافع آن آزاد گذاشته شود، یعنی مباح گردد بر همان مصرف. منظور از حبس نمودن اصل، این است که عین مال را طوری قرار دهد که شرعاً جایز نباشد تصرف ناقله از ملک در آن نمود، یعنی این که جایز نباشد آنرا به دیگری فروخت یا بخشید و یا مصالحه کرد (مگر در موارد خاص) (شیخ حسن قارونی تبریزی، جلد نهم، ص ۳۹۳).

مرحوم محقق حلی در شرایع‌الاسلام می‌فرماید: وقف عقدی است که ثمره آن حبس کردن اصل ورها کردن منفعت است. شیخ محمد حسن نجفی در کتاب جواهرالکلام وقف را چنین

تعریف می‌کند: عقد ثمرته تحبیس الاصل و اطلاق المنفعه. وقف عقدی است که ثمره آن نگه داشتن اصل ملک است (ریاحی سامانی، ۱۳۷۸، ص ۴۰).

ماده ۵۵ قانون مدنی در مقام تعریف حقوقی و اصطلاحی وقف می‌گوید: «وقف عبارت است از این که عین مال حبس و منافع آن تسبیل شود» (امینیان مدرس، ۱۳۸۱، ص ۲۱).

### ۳. انواع وقف

#### ۱- ۳. تقسیم وقف به اعتبار موقوف‌علیهم

وقف خاص: وقفی است که مخصوص دسته معین و خاصی است، مانند وقف بر اولاد یا افراد و یا طبقه‌ای خاص از مردم.

وقف عام: وقفی است که مقصود از آن امور خیریه است و مخصوص دسته و طبقه معینی نیست، مانند وقف بر فقرا، وقف بر طلاب و مدارس (سلیمی‌فر، ۱۳۷۰، ص ۱۵).

#### ۲- ۳. تقسیم وقف به اعتبار مدت زمان وقف

وقف مؤبد(الی‌الابد): بر اساس نظر فقهای شیعه، تأبید از شروط وقف است و بین وقف و حبس از این حیث تفاوت قائل شده‌اند.

وقف موقت: یعنی تصریح به زمان معلوم باشد که پس از انقضای آن، از وقفیت خارج شود.

لازم به ذکر است از نظر جمهور فقهای شیعه و بیشتر فقهای اهل سنت وقف موقت صحیح نیست و عنوان آن حبس است؛ نه وقف (صالح آبادی، ۱۳۵۸، ص ۱۳۱).

#### ۳- ۳. تقسیم وقف به اعتبار نوع موقوفه

وقف اموال غیرمنقول: و آن وقف هر ملکی است که ثابت الاصل می‌باشد مثل خانه، باغ و زمین. جواز این نوع وقف بین تمام فقها، مورد اتفاق می‌باشد و سند آنها نیز اوقاف حضرت رسول اکرم (ص) و ائمه اطهار (ع) و اصحاب می‌باشد.

وقف اموال منقول: منقول عبارت است از اموال غیرثابت مانند حیوانات، ماشین حمل و نقل و... که نقل و انتقال آن ممکن است بدون آنکه متحول گردد و ضابطه مال موقوف در نزد فقهاء امامیه،

امکان انتفاع حلال از آن با بقای عین آن به صورت قابل توجه می‌باشد. از نظر بیشتر فقهای عامه نیز وقف اموال منقول جایز است (هاشمی نسب، ۱۳۷۷، ص ۳۰).

#### ۴-۳. تقسیم وقف به اعتبار مشروعیت وقف

وقف صحیح: وقفی که در آن احکام شرع از هر جهت رعایت شده باشد.

وقف غیر صحیح: وقف مالی که بر خلاف احکام شرع صورت گیرد؛ مانند وقف اموال مسروقه یا وقف بر گناه (صالح‌آبادی، ۱۳۸۵، ص ۱۳۱).

#### ۵-۳. تقسیم وقف به اعتبار نوع استفاده از موقوفه

وقف انتفاع: اگر نظر واقف از وقف تحصیل درآمد مادی نباشد، آن را وقف انتفاع گویند مانند احداث مسجد در زمین ملکی خود و یا زمین موات و امثال این‌ها.

وقف منفعت: اگر نظر واقف از وقف تحصیل درآمد باشد تا در مصرف معلومی هزینه شود، آن را وقف منفعت نامند مانند وقف دکان برای حفظ و اداره مسجد و یا مدرسه (سلیمی فر، ۱۳۷۰، ص ۱۵).

#### ۶-۳. تقسیم وقف به اعتبار نوع مدیریت موقوفه (از نظر سازمان اوقاف)

موقوفات متصرفی: موقوفاتی که اداره آنها قانوناً به عهده سازمان اوقاف و امور خیریه باشد، وقف متصرفی نامیده می‌شود.

موقوفات غیرمتصرفی: موقوفاتی هستند که دارای متولی و ناظر می‌باشند ولی سازمان اوقاف و امور خیریه بر اداره آنها نظارت استصوابی دارد. البته هستند موقوفاتی که مشمول هیچ یک از این دو نوع نیستند و مستقلاً زیر نظر متولی اداره می‌شوند مثل مسجد امام خمینی بازار و موقوفات متعلقه آن (هاشمی نسب، ۱۳۷۷، ص ۳۲).

#### ۴. شرایط موقوف

منظور از موقوف، عین محبوسه‌ای است که احکام وقف بر آن جاری می‌گردد و بر اساس نظر فقهای امامیه باید چهار شرط زیر را داشته باشد:

(۱) عین باشد، (۲) ملک واقف باشد، (۳) انتفاع از آن متوقف بر زوالش نباشد، (۴) بتوان آن را به قبض موقوف علیه داد (محقق حلی، ۱۴۰۳، ص ۲۱۲) (امام خمینی، جلد سوم، ص ۶۱) (شهید اول، ۱۴۰۳، ص ۱۷۳).

شهید ثانی در شرح اولین شرط از شرایط موقوف بیان می‌دارد که عین آن است که اولاً بعد از انتفاع همچون زمان قبل به حال خود باقی باشد، ثانیاً وجود خارجی داشته باشد و ثالثاً در خارج مشخص و قابل اشاره حسیه باشد. آنگاه چنین نتیجه می‌گیرد که وقف منفعت و دین صحیح نیست (هاشمی‌نسب، ۱۳۷۷، ص ۵۷) و این همان نظر مرحوم محقق حلی و امام خمینی (ره) و شیخ محمد حسن نجفی می‌باشد. مرحوم صاحب جواهر در تحلیل سخن فوق دلائل زیر را عنوان می‌کند.

۱. نسبت به شمول ادله وقف بر این امور شک داریم.
۲. ظاهراً اتفاق اصحاب بر عدم جواز وقف اینها است.
۳. از قول حضرت رسول اکرم (ص) چنین مستفاد می‌شود (نجفی، ۱۳۷۶، ص ۱۴).

گذشته از آنکه عمل ایشان در این خصوص نیز دال بر همین معناست.

آنگاه در خصوص وقف منفعت اضافه می‌کند که: عدم صحت وقف منفعت به علت عدم تصور حبس در آن می‌باشد چرا که ضرورت وجود منفعت مبنی بر استفاده تدریجی می‌باشد (همان، ۱۳۷۶، ص ۱۶).

به طور کلی ضابطه موقوف بر اساس نظر فقهای امامیه این است که: «ضابطه کل ما یصح الانتفاع به، منفعة محله مع بقاء عینه» و آن چیزی که انتفاع از آن صحیح می‌باشد - البته انتفاع حلال - به گونه‌ای که با انتفاع از آن عین آن باقی بماند. مرحوم صاحب شرایع از این ضابطه چنین نتیجه می‌گیرد که وقف عقار و لباس و اثاث و ابزار آلات مباحه صحیح می‌باشد (محقق حلی، ۱۴۰۳، ص ۲۱۳). و اکثر فقهای اسلام به همین نظر معتقد می‌باشند (هاشمی‌نسب، ۱۳۷۳، ص ۵۹). به گونه‌ای که مرحوم صاحب جواهر در شرح این عبارت می‌فرماید: در این مورد خلافتی بین امامیه نیافتیم (نجفی، ۱۳۷۶، ص ۱۶). اما سؤال اینکه آیا طول زمان منفعت معتبر است؟ یا خیر؟ شهید ثانی در پاسخ می‌فرماید: اطلاق عبارت و نظر اکثر دال بر عدم اعتبار زمان منفعت می‌باشد فلذا وقف ریحان که سریع‌الفساد می‌باشد صحیح است هر چند این احتمال نیز وجود دارد که به علت قلت

منفعت که منافعی با اصل تأیید در وقف می‌باشد قائل بر اعتبار طول زمان منفعت گردیم (شهید ثانی، ۱۴۰۳، ص ۷۵).

و اما سؤال دوم اینکه آیا فعلیت نفع در موقوف معتبر است یا خیر؟ شهید ثانی پاسخ می‌دهد: خیر، بلکه همین قدر که منفعت از آن متوقع باشد کفایت می‌کند لذاست که وقف کره اسب کوچک صحیح است. مرحوم محقق حلی در شرایع الاسلام و صاحب جواهر و امام خمینی (ره) نیز بر همین عقیده می‌باشند (هاشمی‌نسب، ۱۳۷۷، ص ۶۰).

اما شرط دوم موقوف این که ملک واقف باشد شهید ثانی در شرح این شرط می‌فرماید: مقصود از مملوک دو احتمال است. اول آن که بگوییم منظور مالی است که صلاحیت برای مملوک بودن نسبت به واقف را داشته باشد. بنابراین اگر مسلمان خمر یا خوک را وقف کند باطل است چرا که این دو مملوک مسلمان واقع نمی‌شوند. دوم این که مال موقوفه در حین وقف باید ملک واقف باشد بنابراین مالی را که فعلاً مالک نیست اگر وقف نمود وقفش لازم نیست. اگر چه برای وقف نمودن صلاحیت داشته باشد (شهید ثانی، ۱۴۰۳، ص ۱۷۴). توجه داریم که احتمال اول شرط صحت وقف و احتمال دوم شرط لزوم آن بود.

بنابراین نباید تصور شود که اگر مالکیت وقف شرط باشد، وقف فضولی صحیح نیست. البته از نظر بعضی از فقهای اسلام وقف فضولی صحیح نیست (هاشمی‌نسب، ۱۳۷۷، ص ۶۰). اما از نظر قانون مدنی صحت نداشتن وقف فضولی را استنباط کرده زیرا ظاهر ماده نفوذ نداشتن وقف فضولی است. مانند بیع فضولی که درست است و غیرنافذ و با اجازه مالک نافذ می‌شود. بنابراین وقف فضولی جایز است ولی نافذ بودن آن معلق بر اجازه مالک می‌باشد و اگر واقف در یک عقد مملوک و غیرمملوک را وقف کرد نسبت به آنچه مملوک او نبوده صحت آن منوط به اجازه مالک است و اگر مالک قسمت فضولی اجازه نداد وقف نسبت به آن باطل است (موسوی بهبهانی، ۱۳۷۳، ص ۵۴). گذشته از این باید توجه داشت که مالک نمی‌تواند اموالی را که متعلق حق غیر است وقف کند، مثلاً مالی که در رهن است یا اموال شخص مفلس که متعلق حق طلبکاران است را نمی‌توان وقف کرد زیرا موجب تضییع حق طلبکاران مرتهن می‌شود (همان، ۱۳۷۳، ص ۵۵).

بالاخره مقصود از شرط چهارم - امکان به قبض دادن آن باشد - آن است که غیرقابل قبض را نمی‌توان وقف کرد خواه طبیعت مال چنین باشد که نتوان آن را قبض کرد مانند دین و منفعت یا

بر اثر حوادثی امکان به قبض دادن به آن نباشد، مانند مالی که غرق شده یا غصب گردیده است و مالک، قدرت به قبض دادن آن را نداشته باشد، اما در صورتی که موقوفه‌ای علیه بتواند آن را قبض کند هر چند واقف قادر به اقباض نباشد وقف صحیح است (همان، ۱۳۰۳، ص ۵۵).

لازم به ذکر است که شرایط یاد شده در مورد عین موقوفه در قانون مدنی مواد ۵۸ و ۶۷ آمده و در این خصوص فقه و قانون باهم اختلافی ندارند.

### ۵. شروط واقف

بر اساس نظر فقهای امامیه واقف باید واجد شرایط: بلوغ، عقل، اختیار و عدم محجور بودن (اعم از حجر مالی یا حجر به علت سفاهت) باشد (محقق حلی، ۱۴۰۳، ص ۲۱۳) (شاهد اول، ۱۴۰۳، ص ۱۷۷) (امام خمینی، جلد دوم، ص ۶۱).

ماده ۵۷ قانون مدنی می‌گوید: «واقف باید مالک مالی باشد که وقف می‌کند و به‌علاوه دارای اهلیتی باشد که در معاملات معتبر است» (امامی، ۱۳۳۵، ص ۷۴) و در مواد ۲۱۰ و ۲۱۳ قانون مزبور اهلیت را چنین بیان می‌کند: «متعاملین باید برای معامله اهلیت داشته باشند» (همان، ۱۳۳۵، ص ۲۰۴) و معامله محجورین نافذ نیست (همان، ۱۳۳۵، ص ۲۰۶).

### ۶. شرایط موقوف علیه

موقوف علیه باید دارای چهار شرط زیر باشد (محقق حلی، ۱۴۰۳، ص ۲۱۴):

۱) موجود باشد: مقصود از اینکه موقوف علیه وجود داشته باشد اینکه در حین عقد (بنابرا قول به عقد بودن وقف) موجود باشد. بنابراین وقف بر شیء که ابتداء و در اول وقف معدوم است باطل می‌باشد ولی در صورتی که آن را تابع قرار دهند صحیح است (شاهد ثانی، ۱۴۰۳، ص ۱۷۸). یعنی وقف بر معدوم به تبع موجود صحیح است البته به شرط آنکه معدوم در سلسله نسب، در طول موجود باشد نه در عرض آن. مثلاً وقف بر کسی که موجود است و اولادی خواهد داشت که بعداً بوجود می‌آیند- و هر چه پایین رود- صحیح است. چون در طول هم قرار دارند.

ولی وقف کردن بر کسی که موجود است و برادر و خواهر او که حین‌العقد وجود ندارند نسبت به آنکه موجود نبوده باطل است و در حق آنکه موجود است صحیح است چرا که برادر و



خواهر در عرض هم قرار دارند و تابع هم نیستند. ماده ۶۹ قانون مدنی می‌گوید: «وقف بر معدوم جایز نیست مگر به تبع موجود» (امامی، ۱۳۳۵، ص ۷۶). مطلب دیگر اینکه شرط موجود بودن موقوف علیه هم در وقف عام و هم خاص معتبر است؛ مثلاً اگر واقف بر دانشجویان و یا طلاب شهری معین، مالی را وقف کند که حین وقف، آن شهر نه طالب علمی داشته باشد و نه دانشجویی، آن وقف باطل است. این نظریه قانون مطابق است با عقیده بعضی از فقهای اسلام، اما بعضی دیگر امکان وجود یافتن موقوف علیه را در آینده در وقف عام کافی می‌دانند (موسوی بهبهانی، ۱۳۷۳، صص ۵۴-۵۳).

۲) معین باشد: مقصود از این شرط آن است که موقوف علیه مبهم نباشد و اسم و وصف و خصوصیات او صریح ذکر شده باشد به نحوی که تشخیص آن ممکن باشد. بنابراین وقف بر یکی از دو نفر، بدون تعیین یا وقف بر یکی از دو مسجد یا معابر، بدون تعیین باطل است. دلیل بطلان را چنین گفته‌اند که تملیک به غیر معین و مجهول امکان ندارد. به ظاهر هم فقها و هم قانون مدنی آن را لازم دانسته‌اند (هاشمی‌نسب، ۱۳۷۷، ص ۷۳).

۳) اهمیت تملک داشته باشد: موقوف علیه باید بتواند قانوناً و شرعاً تملک نماید. در واقع این شرط عقلی است، زیرا عقلاً کسی که نتواند تملک کند به هر دلیل به حکم عقل ممکن نیست مالی را به او تملیک کرد. بنابراین وقف بر فرد خارجی از این نظر منوط است بر اینکه، قانون حق مالکیت برای اجنبی را قائل شده باشد یا نه؟ اما از نظر فقهی وقف بر اجنبی مسلمان صحیح است، و همچنین وقف بر مصالح عامه، مانند راه‌ها و پل‌ها هم از نظر فقه و قانون صحیح است، زیرا در حقیقت بر مسلمانان و اهل بلد وقف شده است (همان، ۱۳۷۷، ص ۷۴).

۴- وقف بر آن حرام نباشد: ضابطه چهارم برای موقوف علیه از نظر شرع انور این است که وقف بر آن حرام نباشد بنابراین مسلمان نمی‌تواند بر کافر حربی هر چند از رحم او باشند وقف کند و یا نمی‌تواند بر کلیساها و کنیسه‌ها و شرابخواران یا دزدان و راهزنان با کتب ضاله حتی تورات و انجیل که امروزه تحریف شده‌اند وقف نماید. هر چند اگر کافر چنین وقفی کند جایز است (محقق حلی، ۱۴۰۳، ص ۲۱۴).

## ۷. ابدال و استبدال در موقوفات

فروختن عین موقوفه و خریدن ملکی و جایگزین کردن به جای موقوفه اول را ابدال گویند و معاوضه کردن عین موقوفه با ملک دیگر و جایگزین کردن موقوفه را استبدال گویند (ریاحی سامانی، ۱۳۷۸، ص ۱۳۷).

مرحوم محقق حلی چهار حکم در این خصوص مطرح کرده‌اند (محقق حلی، ۱۴۰۳، ص ۲۲۰):

۱. اگر خانه وقفی خراب شود عرصه آن از وقفیت خارج نشده، فروش آن جایز نیست.
۲. اگر بین موقوف علیهم اختلافی بیفتد که خوف خرابی موقوف برود فروش آن جایز است.
۳. اگر بین موقوف علیهم اختلافی نباشد و خوف خرابی هم نباشد بلکه صرفاً فروش به حال موقوف علیهم نافع‌تر باشد گفته می‌شود که باز فروش جایز است ولی به نظر ایشان (محقق حلی) وجه منع است.
۴. هرگاه موقوف چنان خراب شود که انتفاع از آن جز از طریق فروش آن میسر نباشد فروش آن جایز است.

مرحوم صاحب جواهر در شرح اولین حکم مصنف بیان می‌فرمایند که من در بین کسانی که متعرض این حکم شده‌اند اختلافی ندیدم، چرا که وقف مبنی بر تأبید و عدم جواز فروش است و حصول خرابی صلاحیت نقض و ابطال وقف را ندارد. از آن گذشته، زمین داخل در موقوف است و همواره باقی است. لذاست که در این مورد اختلافی بین فقها نیست هر چند برخی از عامه مخالفت‌هایی در این خصوص داشته و بیع آن را در زمان خرابی جایز می‌دانند (نجفی، ۱۳۷۶، ص ۱۰۸). و اما در مورد حکم دوم مصنف، مرحوم صاحب جواهر چنین فرموده که هر چند مصنف، این حکم را به صورت جازم بیان فرموده ولی شدیداً محل اشکال و اختلاف است (همان، ۱۳۷۶، ص ۱۰۹).

امام خمینی نظرات خود را به این صورت جمع‌بندی کرده است: «فروش وقف‌های خاص مانند وقف بر اولاد، و وقف‌های عامی که به عنوان‌های عمومی می‌باشد مانند فقرا، انتقال آنها به یکی از اسباب نقل جایز نیست مگر به جهت عروض و پیدا شدن برخی عوارض به شرح زیر:

۱. وقفی که خراب شود به طوری که اعاده آن به حالت اولش ممکن نباشد و نیز انتفاع از آن جز به فروش و استفاده از مثنی آنها مانند حیوان ذبح شده و تنه درخت که قطع شده باشد میسر نباشد، و از ثمن آنها چیزی خرید می شود که مورد استفاده موقوف علیهم واقع شود و احوط، اگر اقوی نباشد - مراعات الاقرب فالاقرب در چیزی که خریده می شود نسبت به عین وقفی است.

۲. اینکه وقف به سبب خرابی یا غیر آن از انتفاع مورد توجه، ساقط شود، به طوری که استفاده ای که از آن برده می شود نسبت به این عین وقفی، در حکم عدم آن است، مشروط به اینکه امید به برگشت به حالت اول نباشد، کما اینکه گذشت. هر چند اگر فرض شود که در صورت فروش آن، با ثمنش فقط چیزی می توان خرید که منفعت آن مانند منفعت خود عین وقفی است که به حال خودش باقی بماند یا نزدیک به آن باشد، فروش آن جایز نیست و باید به حالش باقی بماند.

۳. در صورت شرط واقف به گونه ای که در وقت پیدا شدن امری مانند کمی منفعت یا زیادی خراج یا مخارج، یا اختلاف بین ارباب وقف یا حصول ضرورت و یا نیاز آنها، وقف فروخته شود، پس هنگام حدوث چنین امری بنا بر اقوی مانعی از فروش آن نیست.

۴. جایی که بین ارباب وقف اختلاف شدید بیفتد که با چنین اختلافی از تلف اموال و نفوس ایمنی نباشد و این اختلاف قطع نمی شود مگر با فروش وقف، پس باید فروخته شود و ثمن آن بین آنها تقسیم گردد» (امام خمینی، جلد دوم، صص ۷۱-۷۰).

ماده ۸۸ قانون مدنی می گوید: «بیع وقف در صورتی که خراب شود یا خوف آن باشد که منجر به خرابی گردد به طوری که انتفاع از آن ممکن نباشد، در صورتی جایز است که عمران آن متعذر باشد یا کسی برای عمران آن حاضر نشود» (امامی، ۱۳۳۵، ص ۹۰).

ماده ۸۹ قانون مدنی نیز می گوید: «هر گاه بعض موقوفه خراب یا مشرف به خرابی گردد به طوری که انتفاع از آن ممکن نباشد همان بعض فروخته می شود مگر این که خرابی بعض سبب سلب انتفاع قسمتی که باقی مانده است بشود، در این صورت تمام فروخته می شود» (امینیان مدرس، ۱۳۸۱، ص ۱۷۳).

همچنین ماده ۹۰ قانون مدنی می‌گوید: «عین موقوفه در مورد جواز بیع به اقرب به غرض واقف تبدیل می‌شود» (همان، ۱۳۸۱، ص ۱۷۴).

در آئین‌نامه اجرائی قانون تشکیلات و اختیارات سازمان اوقاف و امور خیریه در این مورد چنین آمده است:

ماده ۴۲- بیع و تبدیل موقوفه طبق مواد ۸۸ و ۸۹ قانون مدنی با کسب موافقت کتبی سرپرست سازمان امکان‌پذیر خواهد بود ...

ماده ۴۵- در مواردی که ثمن بیع وقف تکافوی خرید رقبه مستقلى را ننماید، سازمان می‌تواند با مشارکت چند موقوفه و نظر متولیان آنها رقبه واحدی خریداری و سهم موقوفه را به تناسب سرمایه آن تعیین نماید.

#### ۸. بررسی فقهی وقف سهام شرکت‌ها

با توجه به شرایط و اوصافی که موقوفه باید داشته باشد و سابقاً به آن پرداختیم، حال سهام شرکت‌ها را با این شرایط و اوصاف مقایسه می‌کنیم تا معلوم شود که آیا سهام قابلیت موقوفه شدن را دارد یا خیر؟

همان‌طور که در بحث ماهیت سهام گفته شد اوراق سهام حاکی از واقعیتی دارند و به ازای آن واقعیت ارزش می‌گیرند، برای اینکه وقف سهام را مورد بررسی قرار دهیم، ما به ازای عینی آن اسناد- که به صورت مشاع هستند- را به عنوان موقوفه تحلیل می‌کنیم. زیرا اوراق سهام در ردیف اعیان قرار نمی‌گیرند، به خاطر اینکه اگر سهام کسی مفقود یا سرقت شد یا سوخت، شرکت برای او المثنی صادر می‌کند، اعیان اموال قابل المثنی داشتن نیستند حال آنکه اگر کسی اسکناس داشته باشد و در آتش سوزی نابود شود، کسی به او المثنی نمی‌دهد یعنی همان اسکناس - البته بر اساس اعتبار- ارزش مالی را دارد. اگر مقصود از وقف سهام اوراق حاکی از حصه شریک باشد شرایط موقوفه شدن را ندارد، زیرا:

۱. گرچه اوراق سهام از نوعی عین بودن برخوردارند ولی چون اعتبار مستقلى ندارند، بلکه اعتبار آنها ناشی از واقعیت محکی آنها است، ارزش مالی مستقلى ندارند و مال تلقی نمی‌شوند.

۲. شرط دوم موقوفه که قابلیت تملک است، در مورد خود اوراق سهام صادق نیست، زیرا مالکیت این نوع اوراق به عنوان حاکی از مالکیت حصه‌ای از اموال یک شرکت معنا دارد و از آن رو که مالیت استقلالی ندارند، مالکیت استقلالی هم ندارد اما اگر مقصود از وقف سهام وقف ما به ازاء آن یعنی حصه‌ای از اموال یک شرکت باشد، شرایط مال موقوفه در مورد آن وجود دارد.

اولین شرطی که برای موقوفه بیان شد، عین بودن مال مورد وقف است. با توجه به اینکه هر کارخانه و شرکتی دارایی‌های منقول و غیرمنقولی دارد و بر اساس آنها فعالیت می‌کند و این دارایی‌ها را از فروش اوراق سهام بدست آورده است، از طرفی برگه‌های سهام نشان‌دهنده‌ی میزان و درصد مالکیت دارنده سهام بر آن دارایی‌ها است پس می‌توان نتیجه گرفت که آن دارایی‌ها عین هستند و در ردیف اعیان قرار می‌گیرند و همان درصدی که دارنده‌ی سهم مالک آن دارایی‌ها است نیز جزء اعیان خواهد بود، زیرا با تعاریف حقوقدانان از عین مطابقت دارد.

«عین عبارت است از مالی که اگر موجود گردد دارای سه بعد باشد (جسم باشد)... بنابراین عین، یک مال مادی است» (جعفری لنگرودی، ۱۳۷۳، ص ۸۶).

«اعیان اموال مادی است که در خارج موجود باشد و به وسیله‌ی حسن لایمه می‌توان آنها را لمس نمود» (امامی، ۱۳۷۵، ص ۲۱) و نیز اینکه «اموالی که وجود خارجی داشته و با حسن لایمه قابل ادراک باشد عین نامیده می‌شود» (کاتوزیان، ۱۳۷۴، ص ۳۵).

شرط دوم موقوفه که قابلیت تملک بود، در مورد اوراق سهام شرکت‌ها چندان قابل بحث نیست، زیرا سهام شرکت به وسیله‌ی برگه‌های سهام مشخص می‌شوند و در برگه‌های سهام مقدار مالکیت دارنده‌ی آن از ما به ازاء عینی معین می‌شود وقتی برگه سهام به شخص دیگری منتقل می‌شود به تبع آن، مقدار ما به ازاء عینی نیز در تملک فرد دیگر قرار می‌گیرد.

شرط سوم از شرایط موقوفه، قابلیت بقاء در مقام انتفاع در مورد سهام نیز صادق است. همانطور که شرح داده شد منظور از قابلیت بقاء امکان و استعداد بقای مال در مقام انتفاع از آن است و این انتفاع را از سهام نیز می‌توان کسب کرد. به عنوان مثال می‌توان با در اختیار داشتن و حفظ سهام یک شرکت موفق از سود سهام انتفاع برد و منافع آن را مطابق با منویات واقف در امور خیریه صرف کرد، بدون اینکه در اصل مال (ما به ازاء عینی سهام) دخل و تصرفی صورت گرفته

باشد. ممکن است ایراد شود که سهام شرکت با انحلال شرکت نابود و تلف می‌شود لذا این مال قابلیت بقا در مقام انتفاع ندارد. در پاسخ باید گفت: اگر منحل شود، اموال آن به صاحبان سهام منتقل می‌شود و میان آنان تقسیم می‌گردد بنابراین مال محکی سهام قابلیت بقا را دارد و همان است که وقف می‌شود.

شرط چهارم که برای موقوفه لازم الرعایه است و باید واجد آن باشد «قابلیت قبض» است. قابلیت قبض هر چیزی متناسب با خود آن چیز است. مگر در بیع سهام شرط قبض نیست؟ مگر این شرط محقق نیست؟ مگر سهم مشاع از یک ملک مثل زمین فروش نمی‌شود؟ مگر قبض نمی‌شود؟ در مورد فروش سهام هم قبض اوراق سهام عرفاً حکایت از قبض خود سهام می‌کند.

با تطبیق شرط‌های مال موقوفه بر سهام، صحت ۴ فرضیه فرعی تحقیق نشان داده می‌شود، پس؛

۱. سهم عین است.
۲. سهم قابل تملک است.
۳. با باقی ماندن عین آن (سهم)، قابل انتفاع است.
۴. سهم قابل قبض است.

به تبع اثبات صحت فرضیه‌های فرعی، فرضیه اصلی نیز به اثبات می‌رسد پس نتیجه می‌گیریم

که:

سهام شرکت‌ها قابلیت موقوفه شدن را دارد.

## ۹. صندوق‌های وقفی

یکی از وجوه افتراق اساسی مبانی اداره وقف در غرب و کشورهای اسلامی در روشی نهفته است که برای ماندگاری وقف به کار می‌برند. بدین ترتیب که در کشورهای اسلامی ماندگاری وقف را حفظ صورت فیزیکی موقوفه جستجو می‌کنند و حال آنکه در غرب حفظ ارزش اقتصادی موقوفه و تحصیل حداکثر منفعت ممکن در هر شکلی (البته در جهت تحقق اهداف خاص وقف) را ملاک عمل قرار می‌دهند و در این راه برای حفظ اصالت و ماندگاری وقف توجه خاصی به ایجاد شخصیت مستقل برای وقف می‌کنند و یا اینکه آن را به یک شخصیت مستقل حقوقی دائمی وصل می‌کنند (عبده تبریزی، ۱۳۸۴، ص ۴۹).

## ۹-۱. تعریف صندوق‌های وقفی

خیرات، مبرات، نذورات، فعالیت‌های خیریه و وقف محدود به سنت اسلام و پهنه ایران نیست و عرصه عمل آن به گستره تمام مظاهر و جغرافیای بشر است. مردم در همه کشورها به توجه به اعتقادات خود، اموال خود را وقف اهداف مختلف می‌کنند و با تشکیل موقوفات می‌کوشند تا رفاه گروه‌های هدف را ارتقاء بخشند.

نظام آنگلو ساکون امروزه نوعی از تصرفات مالی را می‌شناسد که تحت نام «تراست» معروف است و خلاصه تعریف آن چنین است: شخص صاحب اختیار را امین و یا وصی و شخص دوم را مستفید و یا مستحق می‌نامند. رابطه شخص امین یا وصی با مال مورد امانت در ارتباط با مستحق یا مستفید، تراست نامیده می‌شود که نه مالک آن مال است و نه می‌تواند آن را تملیک کند و حتی خود امین و یا وصی نمی‌تواند از آن مال استفاده کرده و یا آن را تملیک کند به نحوی که مالکیت عین از مالکیت منافع جدا می‌شود (امیدیانی، ۱۳۸۰، ص ۲۶۷). معمول‌ترین شکل تراست، تراست وصیتی یا وصیت‌نامه‌ای است که پس از مرگ دارنده دارایی شکل می‌گیرد. تراست‌هایی را که در طول عمر مالک دارایی شکل بگیرد، تراست سرپرستی گویند. اگر منافع تراست به شخص یا اشخاص معینی برسد (اعم از اعضای خاندان و یا غیر از آن) به آن تراست اختصاصی گویند و اگر منافع تراست به عامه برسد، تراست عمومی نامیده می‌شود. بیشتر تراست‌های عمومی مؤسسات خیریه‌اند که معافیت مالیاتی هم دارند. صندوق‌های وقفی از نوع تراست‌های عمومی‌اند (عبده تبریزی، ۱۳۸۴، ص ۵۰).

## ۹-۲. هدف صندوق‌های وقفی

وقتی به هدف‌های سازمان‌های وقفی توجه می‌کنیم، در می‌یابیم که طیف گسترده‌ای از اهداف طرف توجه واقفان بوده است: کمک هزینه زندگی، حمایت از دانشجویان و طلاب، تأمین دارو و خدمات پزشکی، حمایت از هنر، حمایت از ورزشکاران، حمایت از منطقه‌های خاص (توسعه منطقه‌ای، حمایت از تحقیقات، حمایت از نشر، حفظ محیط زیست و...).

گاهی هدف‌هایی که برای عواید حاصل از صندوق‌های وقف ارایه می‌شود، بسیار محدود است. مثلاً صندوق وقفی کلاگستون از دانشجویانی حمایت می‌کند که علاقه‌مند به خبررسانی در

مورد معلولان هستند. به هر حال، اکنون سازمان‌های وقفی جهان هزینه‌های تداوم فعالیت در صدها هزار دانشگاه و مؤسسه پژوهشی، مسجد، کلیسا، بیمارستان و آسایشگاه و... پرداخت می‌کنند.

حتی دانشگاه‌های دولتی در دنیا صرفاً از طریق بودجه دولت تأمین مالی نمی‌شوند در آمریکا، به‌طور متوسط، فقط ۴۰ درصد بودجه حتی دانشگاه‌های دولتی را دولت می‌پردازد، بیشتر این بودجه از طریق صندوق‌های وقفی تأمین می‌شود، و اموال وقفی به‌طور دایمی بخش بزرگی از بودجه دانشگاه‌ها را پرداخته است (عبده تبریزی، ۱۳۸۳، ص ۸).

### ۳-۹. انواع صندوق‌های وقفی

صندوق‌های وقفی متنوع‌اند و اهداف بسیار متفاوتی را دنبال می‌کنند. بنیادهای خیریه صندوق‌های متنوعی را اداره می‌کنند. بنابراین، در کشورهای پیشرفته، نحوه مدیریت صندوق‌های وقفی مدت‌هاست که مدرن و حرفه‌ای شده است و بنیادهایی را می‌توان یافت که تا ۱۰۰ صندوق را اداره می‌کنند. به صندوق‌های وقفی مدرن دنیا پول نقد، اوراق بهادار پذیرفته‌شده در بورس‌ها، اوراق بهادار شرکت‌های غیرسهامی عام، املاک و مستغلات، بیمه نامه، و انبوهی از دارایی‌های فیزیکی و واقعی دیگر هدیه و هبه می‌شود.

بعضی از بنیادهای یادشده، بنیادهای ناحیه‌ای‌اند. و در محدوده خاص و یا روی موضوع خاص کار می‌کنند. هدف این بنیادها آن است که کمک کنند تا صندوق وقفی شکل بگیرد و هدف غیرانتفاعی دنبال شود، اما در عین حال تداوم تأمین مالی حفظ شود و منافع مداوم برای تحقق هدف صندوق خلق شود. بنابراین، این بنیادها کمک می‌کنند خیرانی که وقت و تخصص ندارند و یا حتی همه منابع مالی را ندارند بتوانند سازمان‌دهی لازم را انجام دهند. در واقع، مؤسساتی وجود دارند که خدمات مدیریت وقف ارائه می‌دهند، نرخی که این مؤسسات از واقفان می‌گیرند بین ۱ تا ۲ درصد مبلغ وقف است. این میزان، هزینه‌های اداری و مدیریت سرمایه‌گذاری را پوشش می‌دهد (همان، ۱۳۸۳، ص ۱۰).

سازمان‌های خیریه می‌توانند از کمک شرکت‌های خدمات مدیریت وقف برای تشکیل یکی از دو نوع صندوق‌های زیر برخوردار شوند:

۱. صندوق‌های نمایندگی سرمایه‌گذاری
۲. صندوق‌های وقفی سازمانی



تفاوت عمده این دو نوع صندوق در مالکیت آنهاست. در صندوق‌های نمایندگی سرمایه‌گذاری، شرکت خدمات به عنوان عامل و نماینده سازمان خیریه خاص عمل می‌کند و دارایی‌های وقفی‌ای را اداره می‌کند که به سازمان خیریه خاص مربوط است. در هر زمان سازمان خیریه یاد شده می‌تواند دستور دهد که دریافت‌کنندگان منافع وقف چه کسانی باشند و در زمان معینی هم کل دارایی‌ها به سازمان خیریه برگشت داده می‌شود.

در صندوق‌های وقفی سازمانی، کل وجوه وقف در اختیار شرکت خدمات گذاشته می‌شود و هر سال فقط بخشی از عواید به سازمان خیریه مورد نظر برمی‌گردد. بدین ترتیب واقفان اطمینان بیشتری می‌یابند که اصل سرمایه وقف به هیچ دلیلی مصرف نخواهد شد.

بدین ترتیب، صندوق نمایندگی سرمایه‌گذاری یا صندوق نمایندگی وقف دارایی‌هایی را برای مؤسسه خیریه نگهداری می‌کند و عواید آن را سالیانه به مؤسسه مربوط می‌دهد. شرکت‌های خدمات مدیریت وقف این نوع صندوق‌ها را تشکیل می‌دهند و به عامه یا حامیان مؤسسه ارایه می‌کنند و مدعی‌اند که شفافیت و اعتبار بیشتری به آن می‌دهند و بدین ترتیب باعث می‌شوند که موقوفات و هدایای بیشتری جذب شود (عبده تبریزی، ۱۳۸۴، ۵۴).

از نظر دیگری نیز می‌توان صندوق‌های وقفی را تقسیم‌بندی کرد:

الف: صندوق‌های وقف و اعانات دائمی.

ب: صندوق‌های وقف و اعانات با عمر محدود.

در مورد اول، اصل موضوع وقف یا اعانه برای همیشه دست نخورده باقی می‌ماند و تنها عواید یا درآمد حاصل از اصل وقف می‌تواند برای مصرف و یا اضافه شدن به اصل در دسترس باشد. در مورد دوم، به محض رسیدن به شرایط خاص، اصل مبلغ وقف شده یا اعانه شده نیز می‌تواند به مصرف برسد.

صندوق‌های وقف یا اعانه را به اشکال گسترده‌تری می‌توان طبقه‌بندی کرد؛ مثلاً در

بروشور بنیاد نورفولک می‌خوانیم که انواع صندوق‌ها به شرح زیر است:

۱. صندوق‌های اختیاری‌مندانه

۲. صندوق‌های حوزه‌علاقه

۳. صندوق‌های با مصارف معین شده
۴. صندوق‌های بورس تحصیلی
۵. صندوق‌های وقف سازمانی
۶. صندوق‌های با نظر واقف (عبدہ تبریزی، ۱۳۸۳، ص ۱۲).

#### ۱۰. تاسیس صندوق وقف سهام

نهاد وقف تاکنون عمدتاً به صورت یک نهاد حقوقی اداره شده است و نه یک نهاد اقتصادی و این موضوع نیز به این علت است که اموال موقوفه از آنجایی که همواره قرین محدودیت‌های حقوقی ناشی از وقف‌نامه‌ها بوده، خودبخود برای تحقق این محدودیت‌ها بیشتر تلاش‌ها متوجه جنبه حقوقی وقف شده است تا جنبه اقتصادی آن و حال آنکه با توجه به موضوع وقف که اختصاص مال عین به هدف معین است، جنبه اقتصادی وقف نیز بسیار مهم جلوه می‌نماید و حتی بی‌توجهی به این جنبه وقف به نوعی آثار مثبت ابعاد دیگر آن را نیز تحت‌الشعاع خود قرار داده و بلااثر و حداقل کم‌اثر می‌نماید.

بنابراین به نظر می‌رسد سازمان اوقاف یا متولیان، باید علاوه بر استفاده از کارشناسان حقوقی، از کارشناسان زبده مالی و اقتصادی نیز بهره بگیرند تا حفظ غبطه وقف، به طور شایسته‌تری صورت گیرد.

با توجه به تجربه فعالیت صندوق مشاع سرمایه‌گذاری (mutual fund)، صندوق وقف سهام می‌تواند به مثابه یک صندوق مشاع سرمایه‌گذاری عمل نماید، به این صورت که واقفان اقدام به وقف سهام در صندوق وقف سهام پیشنهادی می‌نمایند. حال این صندوق وقف سهام است که تحت نظارت دولت سهام را جمع‌آوری و در صورت نیاز از طرق مکانیزم ابدال و استبدال و تبدیل به احسن، سهام موقوفه را به‌عنوان پرتفوی مدیریت می‌کنند. درآمد حاصل‌شده از این پرتفوی می‌تواند در سه بخش به کار گرفته شود: یک بخش کوچک آن به منظور پوشش هزینه‌های مدیریت و نظارت مصرف می‌شود. بخش اعظم آن به مصرف خواسته واقف اختصاص داده می‌شود و بخش سوم نیز به منظور حفظ و نگهداری ارزش واقعی موقوفه خصوصاً در مقابل نرخ تورم تخصیص می‌یابد.

مهم‌ترین نکته در این صندوق‌ها این است که در صورت احراز عدم درآمدزایی موقوفه، برای حفظ رعایت غبطه موقوف‌علیهم و در جهت نیات واقف بتوان موضوع تبدیل به احسن نمودن موقوفه را مطرح و پیش برد.

تبدیل به احسن کردن موقوفات از اهمیت خاصی برخوردار است و اگر شارع مقدس، اجازه تبدیل به احسن را نمی‌داد، چه بسا که موقوفاتی امروزه دیگر قابل بهره‌برداری نبود و همچنین بدون استفاده می‌ماندند. بدین لحاظ، به موجب ماده ۳۲ آیین‌نامه اجرایی قانون اوقاف، اجازه تبدیل به احسن موقوفات، به سرپرست سازمان که نماینده از طرف ولی فقیه است، تحت شرایطی خاص محول شده است.

عنوان تبدیل به احسن مفهومی اعم از ابدال و استبدال دارد. به طور کلی از منظر فقهاء<sup>۱</sup> و از حیث قابلیت ابدال و استبدال، اموال موقوفه دارای ضوابط خاصی هستند.

در وقف سهام نیز بحث ابدال و استبدال نیز باید منطبق با نظر علما و در چارچوب شرع باشد. به همین منظور ابدال و استبدال وقف سهام را با نظر جمع‌بندی شده امام خمینی (ره) منطبق می‌کنیم. به هر حال فروش وقف‌های خاص و وقف‌های عام و همچنین انتقال آنها جایز نیست مگر در برخی از موارد به شرح زیر:

۱. اگر ما بازاء عینی سهام وقفی طوری خراب شود که اعاده آن به حالت اولش ممکن نباشد و هیچ انتفاعی از آن برده نشود فروش آن جایز است و در ازای ثمن آن چیزی خریده می‌شود که مورد استفاده موقوف‌علیهم واقع شود. بعنوان مثال می‌توان از ثمن آن سهام دیگری خریداری کرد تا از عایدات آن موقوف‌علیهم استفاده کنند.
۲. اگر ما بازاء عینی سهام وقفی به سبب خرابی یا غیر آن، از انتفاع مورد توجه، ساقط شود و امید برگشت به حالت اول نباشد فروش آن جایز است و ثمن آن می‌توان چیزی خریداری کرد که انتفاع مدنظر را به همراه داشته باشد.

---

۱. به مبحث ابدال و استبدال موقوفات در بند هفتم مراجعه کنید.

۳. اگر واقف در وقف‌نامه شرط کرده باشد که در صورت کمی منفعت حاصل از سهام یا باقی ماندن سهام به عنوان موقوفه، مخارج زیادی به همراه داشته باشد، در این موارد می‌توان سهام مذکور را فروخت.

۴. زمانی که بین ارباب وقف اختلافی شدید بیفتد که در صورت چنین اختلافی امکان تلف شدن اموال وقفی باشد، و این اختلاف قطع نمی‌شود مگر با فروش وقف، پس باید فروخته شود و ثمن آن بین آنها تقسیم گردد. با وجود این شرط در وقف سهام نیز می‌توان آن سهام را فروخت و ثمن را بین آنها تقسیم نمود.

پس همان‌طور که در موارد بالا مشخص است بحث ابدال و استبدال تحت شرایط و ضوابط خاصی که به آنها اشاره شد و مورد توافق شرع می‌باشد انجام می‌گیرد و سهام وقف شده نیز از این شرایط و ضوابط تبعیت می‌کند و ساز و کار ابدال و استبدال از وقف سهام با وجود این شرایط و ضوابط انجام می‌پذیرد.

اگر یکی از شرایط بالا برای وقف سهام به وجود آید و امکان فروش آن سهام میسر گردد می‌توان با استفاده از دانش مالی (در ادامه به آن می‌پردازیم) از ثمن سهام وقفی فروخته شده به صورت بهینه استفاده و در جاهای دیگر مطابق با اهداف وقف و وقف‌نامه سرمایه‌گذاری کرد تا عایدات بیشتری نصیب موقوف علیهم گردد.

در مدیریت مالی معیارهایی برای ارزیابی پروژه‌های سرمایه‌ای وجود دارد که با استفاده از این معیارها مدیریت می‌تواند تصمیمات سرمایه‌گذاری مناسبی بگیرد. در بحث وقف سهام نیز که با استفاده از شرایط ذکر شده زمینه ابدال و استبدال بوجود می‌آید، می‌توانیم از تکنیک‌های زیر برای بهره‌برداری بهینه از ثمن حاصل از فروش موقوفه استفاده کنیم. در ادامه به تعریف تکنیک‌های فوق اکتفا می‌کنیم.

دوره برگشت سرمایه: مدت زمانی است که در آن مدت (برحسب سال) مجموع جریان‌های نقدی ورودی با مبلغ خالص سرمایه‌گذاری برابر می‌شود. به عبارت دیگر، دوره برگشت سرمایه مدت زمانی است که در آن طرح به نقطه سربه‌سر می‌رسد و با تقسیم کردن خالص سرمایه‌گذاری طرح بر مقدار یک قسط (جریان نقدی یک سال) محاسبه می‌شود.

ارزش فعلی خالص ( $NPV$ ): عبارت است از مجموع ارزش فعلی جریان‌های نقدی ورودی منهای جریان فعلی کل وجوهی که در زمان حال سرمایه‌گذاری می‌شود. به عبارت دیگر ارزش فعلی هر نوع فعالیتی (که مستلزم جریان‌های نقدی ورودی و خروجی در یک دوره زمانی است) عبارتست از ارزش فعلی کل جریان‌های نقدی ورودی منهای ارزش فعلی کل جریان‌های نقدی خروجی.

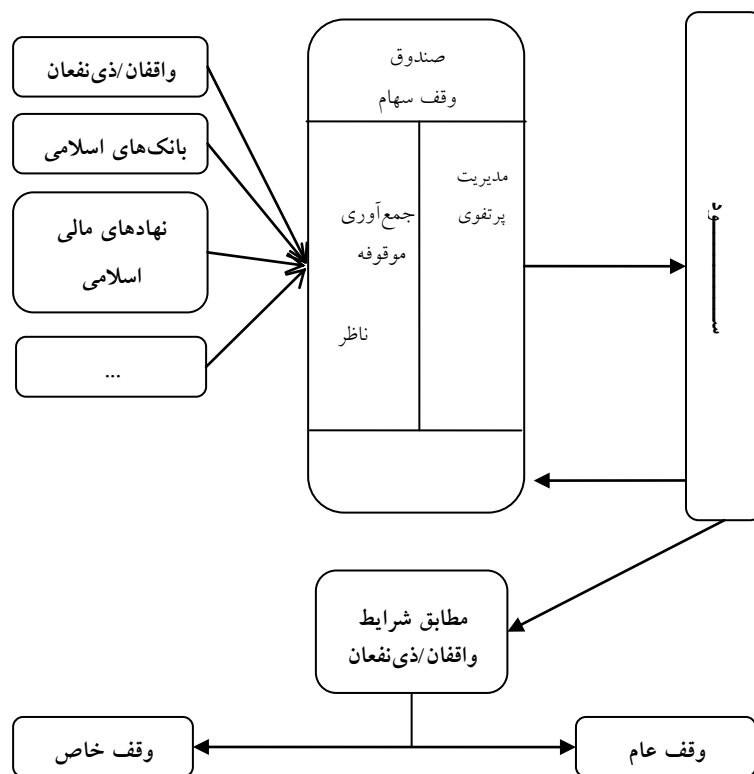
نرخ بازده داخلی ( $IRR$ ) یک طرح را به این صورت تعریف می‌کنند؛

نرخ تنزیلی که ارزش فعلی خالص طرح را صفر می‌کند، بنابراین نرخ بازده داخلی عبارتست از متوسط نرخ بازده سالانه یک طرح. نرخ بازده داخلی به صورت درصد بیان می‌شود (جهانخانی و پاسانیان، ۱۳۸۰، صص ۲۶۷-۲۵۴).

اهداف عمده‌ی این صندوق را می‌توان به شرح ذیل برشمرد:

۱. شکل‌گیری نهادهای مالی متنوع، کارا و مؤثر ضمن دادن حق انتخاب به مصرف‌کننده و مشتری به کارایی بازار سرمایه، تجهیز پس‌اندازها و تشکیل سرمایه می‌انجامد.
۲. راه‌اندازی چنین نهادهایی یکی از راه‌های مشارکت مردم در تشکیل سرمایه و خلق ارزش می‌باشد.
۳. در صورت تشکیل چنین صندوق‌هایی اهداف بسیار زیادی از جمله حمایت از تحقیقات علمی، ورزش و هنر و حمایت از اقشار ضعیف جامعه را به طور گسترده‌تری می‌توان عملی نمود.
۴. می‌توان با ایجاد چنین نهادهایی مردم را که اکنون به دلیل ناکارآمدی اوقاف در ایران کمی از وقف فاصله گرفته‌اند، به این امر تشویق کرد.

## ساختار اصلی برای تأسیس صندوق وقف سهام



## منابع و مأخذ

### منابع فارسی:

۱. امامی، سید حسن، حقوق مدنی، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۳۵
۲. امامی، سید حسن، حقوق مدنی، تهران، انتشارات کتاب فروشی اسلامیة، ۱۳۷۵، جلد اول
۳. امینیان مدرس، محمد، وقف از دیدگاه حقوق و قوانین، تهران، انتشارات سمت، ۱۳۸۱
۴. بهرامی، محمد، پژوهش فقهی - حقوقی در وقف سهام شرکت‌ها، میراث جاویدان، شماره ۳۰، ۱۳۷۹
۵. پی‌نو، ریموند، مدیریت مالی، جهانخانی، پارسائیان، تهران، انتشارات سمت، ۱۳۸۰، جلد اول
۶. جعفری لنگرودی، محمد جعفر، حقوق اموال، تهران، انتشارات گنج دانش، ۱۳۷۳
۷. جعفری لنگرودی، محمد جعفر، مبسوط در ترمینولوژی، تهران، انتشارات گنج دانش، ۱۳۷۸
۸. خسروی، محمدعلی، هفت وقف‌نامه، تهران، صائین، ۱۳۸۴
۹. دهخدا، علی‌اکبر، لغت‌نامه دهخدا، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۷۷، جلد ۱۵
۱۰. ریاحی سامانی، نادر، وقف و سیر و تحولات قانونگذاری در موقوفات، شیراز، انتشار نوید، ۱۳۷۸
۱۱. ستوده تهرانی، حسن، حقوق تجارت، تهران، انتشارات نشر دادگستر، جلد اول
۱۲. سلیمی‌فر، مصطفی، نگاهی به: وقف و آثار اقتصادی و اجتماعی آن، مشهد، بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی، ۱۳۷۰
۱۳. صالح‌آبادی، علی، بازارهای مالی اسلامی، تهران، انتشارات دانشگاه امام صادق(ع)، ۱۳۸۵
۱۴. عبده تبریزی، حسین، سیاست‌های مالی در سازمان‌های وقفی خیریه جهان، میراث جاویدان، شماره ۴۵، ۱۳۸۳
۱۵. عبده تبریزی، حسین، صندوق‌های وقفی در جهان و درس‌های آن برای جمهوری اسلامی ایران، مرکز تحقیقات دانشگاه امام صادق(ع)، ۱۳۸۳

۱۶. عبده تبریزی، حسین، نهاد مالی صندوق‌های وقفی در جهان و اصول اسلامی فعالیت آن در ایران، فصلنامه پژوهشی دانشگاه امام صادق(ع)، شماره ۲۵، ۱۳۸۴
۱۷. قارونی تبریزی، حسن، النضیذ، انتشارات داوری قم، ۱۴۱۳ق
۱۸. کاتوزیان، ناصر، حقوق مدنی، اموال و مالکیت، تهران، انتشارات یلدا، ۱۳۷۴، جلد اول
۱۹. موسوی بهبهانی، سید علی، وقف از نظر فقه و قانون مدنی، میراث جاویدان، شماره ۷، ۱۳۷۳
۲۰. هاشمی‌نسب، سید محمد مهدی، امکان‌سنجی افزایش منابع حاصل از اموال موقوفه با استفاده از دانش مالی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه امام صادق(ع)، ۱۳۷۷

## منابع عربی:

۱. خمینی، سید روح‌ا...، تحریر الوسیله، قم، مؤسسه نشر اسلامی، جلد دوم
۲. شهید اول، اللمعه دمشقیه، بیروت، احیاء التراث العربی، ۱۴۰۳ق
۳. شهیدالثانی، روضه البهیة فی المعه الدمشقیه، بیروت، احیاء التراث العربی، ۱۴۰۳ق
۴. محقق حلی، شرایع السلام، بیروت، دارالأضواء، ۱۴۰۳ق
۵. نجفی، محمد حسن، جواهر الکلام، دار الکتب، ۱۳۷۶